

درس هجدهم: عشق جاودانی

"عشق جاودانی" از غزلواره ها شکسپیر / نوع ادبی: ادبیات جهان / ***
روان خوانی: آخرین درس از مجموعه قصه های دوشنبه، آلفونس دوده ترجمه عبدالحسین زرین کوب ***

قلمرو زبانی

۱. معنی واژه های مشخص شده زیر را بنویسید.
الف: بر تخته سیاه این کلمات را با خطی جلی نوشت.
ب: یکی از مردان معمّر دهکده با کودکان هم آواز گشته بود.
پ: همواره عشق قدیم را موضوع صحیفه شعر خود می گرداند.
ت: من بیم آن داشتم که مورد عتاب معلم واقع گردم.
ث: چه حرف تازه ای برای گفتن مانده است که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟
ج: آیا چیزی در مخيله آدمی می گنجد، که قلم بتواند آن را بنگارد، اما جان صادق من آن را برای تو ترسیم نکرده باشد؟
۲. گزینه های زیر را از نظر «حذف فعل» بررسی کنید و نوع حذف را بنویسید.
الف: «چه حرف تازه ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه ای برای نوشتن»

ب: هر روز باید ذکرى واحد را مکرر بخوانم؛ و آنچه را که قدیمی است قدیمی ندانم: «که تو از آن منی، و من از آن تو»

۳. در موارد زیر، واژه مناسب را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف: شاگردان چندان بانگ و فریاد می کردند که (غلقله/ غلغله) آنها به کوی و برزن می رفت.

ب: من بیم آن داشتم که مورد (اعتاب/ عتاب) معلم واقع گردم.

پ: لباسی را که جز در روز (توزیح/ توزیع) جوایز نمی پوشید، بر تن کرده است.

ت: (این جماعت به درس معلم ما آمده بودند تا از او به سبب چهل سال رنج شبانه روزی و مدرسه داری و (خدمت گزاری/ خدمت گذاری) قدردانی کنند.

ث: می گفت: فرزند، تو را سرزنش نمی کنم؛ زیرا خود به قدر کفایت (متنبه/ متنبهه) شده ای.

۴. در موارد زیر، در صورت وجود اشتباه املایی، آن را بیابید؛ سپس اصلاح نمایید.

الف: نه اهمیتی به چین و شکن های ناگزیر سالخورده گی می دهد، بلکه همواره عشق قدیم را موضوع سحیفه شعر خود می گرداند.

ب: وقتی قومی به اسارت دشمن درآید و مقلوب و مقهور بیگانه گردد.

پ: درفش ملی ما را به اهتزاز در آورده باشند.

ت: نهالی چند در هنگام ورود خویش در باغ غرض کرده بود.

ث: پس از تحریر مشق، درس تاریخ خواندیم.

۵. در موارد زیر، هسته و وابسته گروه های اسمی مشخص شده را بنویسید.

الف: چه حرف تازه ای برای گفتن مانده است که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟

ب: نخستین احساس عشق را در جایی می جوید که خود در آنجا به دنیا آمده است.

پ: درست مانند نخستین باری که نام زیبای تو را تلاوت کردم.

۶. در متن زیر کدام فعل به کار نرفته است؟

«آیا چیزی در مخیله آدمی می گنجد، که قلم بتواند آن را بنگارد،/ اما جان صادق من آن را برای تو ترسیم نکرده باشد؟ / چه حرف

تازه ای برای گفتن مانده است؟ یا چه چیز از ای برای نوشتن؟ / که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟»

الف: ماضی التزامی ب: مضارع التزامی پ: ماضی نقلی ت: مضارع مستمر

۷. شعر زیر را بخوانید؛ سپس به سوال ها پاسخ دهید.

«همواره عشق قدیم را موضوع صحیفه شعر خود می گرداند.»

الف: نقش واژه های مشخص شده را بنویسید.

ب: هسته و وابسته را در گروه های اسمی «عشق قدیم» و «موضوع صحیفه شعر خود» بیابید.

۸. در کدام گزینه، «وابسته وابسته» وجود دارد؟ نوع آن را بنویسید.

الف: چه حرف تازه ای برای گفتن مانده است که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند

ب: خاطرات تلخ تنبیهاتی را که از او دیده بودم و ضربات چوبی را که از او خورده بودم، از صفحه ضمیرم یک باره محو کرد.

۹. واژه صحیفه را از نظر کاربرد معنایی بررسی کنید.

قلمرو ادبی

۱۰. نمونه استفهام انکاری در شعر:

۱۱. در گزینه های زیر، مجاز را بیابید.

الف: آیا چیزی در مخیله آدمی می گنجد، که قلم بتواند آن را بنگارد؟

ب: این گونه است که عشق جاودانی همواره معشوق را جوان می بیند.

پ: این جماعت به درس معلم ما آمده بودند تا از او قدردانی کنند.

ت: چه حرف تازه ای برای گفتن مانده است؟

۱۲. در قسمت های مشخص شده، چه آرایه هایی وجود دارد؟

الف: همان جا که شاید اینک دست زمان و صورت ظاهرش، مرده نشانش بدهند.

ب: سر خویش گرفتم و راه مدرسه در پیش.

۱۳. هر کدام از آرایه های (مجاز - کنایه - حس آمیزی - تشبیه)، در کدام گزینه، استفاده شده است؟

الف: معلم از سر مهر نظری به من انداخت و با لطف و نرمی گفت: «زود سر جایت بنشین.»

ب: دو سال بود که هر خبر ملال انگیز که برای ده می رسید، از اینجا منتشر می گشت.

پ: با خود اندیشیدم که «باز برای ما چه خوابی دیده اند؟» آن گاه سر خویش گرفتم و راه مدرسه در پیش.

ت: اندیشه آنکه وی فردا ما را ترک می کند، خاطرات تلخ تنبیهاتی را که از او دیده بودم از صفحه ضمیرم یک باره محو کرد.

قلمرو فکری

۱۴. شکسپیر، در بند زیر، بر چه نکته ای تأکید می کند؟

«چه حرف تازه ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه ای برای نوشتن که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟»



۱۵. تناسب مفهومی موارد زیر را بنویسید.

الف: هر روز باید ذاکری واحد را مکرر بخوانیم، / و آنچه را قدیمی است، قدیمی ندانم: «که تو از آن منی، و من از آن تو»، / درست مانند نخستین باری که نام زیبای تو را تلاوت کردم.

ب: یک قصه بیش نیست غم عشق وین عجب / کز هر زبان که می شنوم نام مکرر است

پ: حُسن در هر نظری جلوۀ دیگر دارد / سخن تازه محال است مکرر گردد

۱۶. کدام ویژگی عشق جاودانی در دو بیت زیر وجود دارد؟

هر چند پیر و خسته دل و ناتوان شدم / هر گه که یاد روی تو کردم جوان شدم

به بوی زلف تو از نو جوان شوم هر بار / هزار بار تنم گرز غصه پیر شود

۱۷. کدام بیت در تقابل با عشق جاودانی است؟

الف) سر زلف تو نباشد، سر زلف دگری / که برای دل ما قحط پریشانی نیست

ب) چون توام که به پایان برم این دفتر از آنک قصه عشق من و حسن تو را آخر نیست

۱۸. معنی و مفهوم بند زیر را بنویسید.

«همواره عشق قدیم را موضوع صحیفه شعر خود می گرداند و نخستین احساس عشق را در جایی می جوید که خود در آنجا به

دنیا آمده است، همان جا که شاید اینک دست زمان و صورت ظاهرش، مرده نشانش بدهند.»

*** پایان ***



اندیشه آدمی سازنده اراده اوست، اندیشه تان زیبا.

درس هجدهم: عشق جاودانی

قلمرو زبانی

۱. الف: آشکار/ درشت و واضح ب: سالخورده پ: کتاب ت: سرزنش، ملامت، تندی ث: ج
سجیه: خواها و عادت ها ج: خیال، ذهن - رسم کردن و کشیدن.
۲. الف: حذف فعل «مانده است» به قرینه لفظی بعد از نوشتن. ب: حذف فعل «هستم» به قرینه معنوی بعد از: من از آن تو
(هستم)
۳. الف: غلغله ب: عتاب پ: توزیع ت: خدمت گزاری ث: متنبه
۴. الف: سالخوردگی / صحیفه ب: مغلوب پ: ندارد ت: غرس ث: ندارد

۵. سجایای ارزشمند تو: (سجایا: هسته / ارزشمند: وابسته: صفت / تو: وابسته: مضاف الیه) * * * * * نخستین احساس عشق: نخستین: وابسته پیشین: صفت شمارشی ترتیبی / احساس: هسته / عشق: وابسته از نوع مضاف الیه * * * * * نام زیبای تو: نام: هسته / زیبا: وابسته: صفت بیانی از نوع فاعلی / تو: وابسته پسین: مضاف الیه

۶. گزینه ۴ ... بررسی افعال: (نکرده باشد: ماضی التزامی - بتواند: مضارع التزامی - مانده است: ماضی نقلی)

۷. الف: همواره: قید / موضوع: مسند * * * * * ب: عشق قدیم: عشق: هسته / قدیم: وابسته پسین از نوع صفت بیانی (مطلق یا ساده) * * * * * موضوع صحیفه شعر خود: موضوع: هسته / صحیفه: وابسته: مضاف الیه / شعر: وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه / خود: وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه.

۸. گزینه «ب» - صفحه ضمیرم: (صفحه: هسته / ضمیر: وابسته: مضاف الیه / ضمیر «م» وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه)

۹. صحیفه، معانی چون: نامه، کتاب، رساله، سفر، ورق کتاب، روی زمین، کاسه می تواند داشته باشد.

قلمرو ادبی

۱۰. چه حرف تازه ای برای گفتن مانده است؟ یا چه چیز تازه ای برای نوشتن؟ که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟ چه حرف تازه ای... مانده است؟ / چه چیز تازه ای... مانده است. (استفهام انکاری)

۱۱. الف: قلم: مجاز از صاحب قلم، نویسنده * * * * * ب: عشق: مجاز از عاشق * * * * * پ: درس: مجاز از کلاس درس * * * * * حرف: مجاز از سخن.

۱۲. الف: دست زمان: اضافه استعاری * * * * * ب: خویش: پیش: سجع (نکته قلمرو زبانی: حذف فعل «گرفتم» به قرینه لفظی بعد از پیش)

۱۳. الف: به لطف و نرمی گفتن: حس آمیزی * * * * * ب: ده: مجاز از مردم ده * * * * * پ: خواب دیدن برای کسی: کنایه از نقشه کشیدن و تصمیم گرفتن برای او / سر خویش گرفتن: کنایه از دنبال کار خود رفتن. * * * * * ت: خاطرات تلخ: حس آمیزی / صفحه ضمیر: اضافه تشبیهی.

قلمرو فکری

۱۴. قابل توصیف نبودن عشق و زیبایی معشوق.

۱۵. مفهوم مشترک: نامکرر و نو بودن سخن عشق است.

۱۶. عشق جاودانی دل انسان را با وجود پیری جوان می سازد.

۱۷. الف

۱۸. عاشق، عشق جاودانه و ازلی خود را موضوع شعر خود قرار می دهد و نخستین احساس عاشقانه خود را جستجو می کند که خود در آنجا متولد شده است. هرچند ممکن است صورت ظاهری آن با گذر زمان تغییر کند و موجب گردد آن مرده به نظر برسد، اما عشق همواره ازلی و جاودانی است. (مفهوم: زوال ناپذیری عشق ازلی)

***** پایان *****

در پناه خداوند بزرگ، موفق باشید. تیموری